یادداشت روز

انتخابات ایرانی و نشان شده‌های آمریکا

«مقام‌های آمریکایی با دقت، انتخابات ایران را رصد می‌کنند و امیدوارند میانه‌روها در مقابل تندروها به پیروزی برسند». این خبر را روزنامه واشنگتن پست در سرمقاله خود منتشر کرده است. روزنامه آمریکایی در این دوگانه «میانه‌رو- تندرو»، «آیت‌الله خمینی» را اخمرو (تندرو) معرفی می‌کند. اگر هیچ خبر دیگری در میان نبود، قبیل همین خبرها که ظرف یکی دو سال اخیر از زبان جان کری و برخی رسانه‌های آمریکایی منتشر شده، برای معلوم شدن تکلیف مردم ما کفایت می‌کرد؛ چه اینکه به تعبیر امام صادق علیه‌السلام حتی اگر امکان تشخیص فرد عادل، صادق و باتقوا از میان دو نفر ممکن نبود، «ببین مخالفان آیین ما کدام را بیشتر می‌پسندند او را کنار بگذار و کدام، بیشتر خشمگین‌شان می‌کند، او را برگزین». آمریکایی که امام خمینی را تندرو می‌شمارد، چگونه عمرو و زید و بکر را «میانه‌رو» یا «اصلاح‌طلب» معرفی می‌کند؟ و اگر جبهه استکبار غرب و ارتجاع عرب ظاهراً کسانی را ترجیح می‌دهند، آیا با همین طیف به احترام رفتار کرده و حفظ ظاهر نموده‌اند؟

این پرسش به اعتبار فرضیه «گشایش اقتصادی از طریق کوتاه آمدن در سیاست خارجی»، اهمیت مضاعفی در آستانه انتخابات هفتم اسفند پیدا کرده است. پرسش بعدی به نسبت میان جریان نامزد غرب و «ایران» و «منافع ملی» باز می‌گردد؛ اینکه چه طیفی از قائلین به شعار میانه‌روی و اصلاح‌طلبی، فقط خوش‌خیالی یا انفعال در نسبت با دشمن به خرج می‌دهند و کدام طیف‌ها ذاتاً در نقشه حریف دشمن نقش بازی می‌کنند؟! اینجا صرفاً بحث انقلاب و اصول جمهوری اسلامی مطرح نیست بلکه سخن از این است که حداقل‌های هویت ایرانی کدام است و چه طیف‌هایی مشمول دعوت عام حضور در انتخابات می‌شوند و کدام حلقه‌ها، استثنای بر این دعوت عام رهبر معظم انقلاب هستند؟ واقعیت این است که به ویژه طی چند سال اخیر دو طیف «مأموریت‌دار» و «خوش‌بین» هر چند با مقاصد متفاوت وگاه متضاد، یک انگاره را خلاف مبانی انقلاب اسلامی و حقایق تاریخی به افکار عمومی پمپاژ کرده‌اند و آن اینکه اگر ما نرم شویم و از اصول کوتاه بیاییم، جهان خارج- چه کشورهای مرتجع منطقه و چه جبهه استکبار غرب- با ما مشکلی ندارند و می‌توان گشایش اقتصادی و بین‌المللی ایجاد کرد.

آقایان هاشمی، خاتمی و روحانی نمونه‌ای از رؤسای دولت‌هایی هستند که هر چند تفاوت‌های مهمی با یکدیگر دارند اما کم یا بیش در این موضوع، مشابه هم رفتار می‌کرده‌اند. مرور رفتار حریفان بزرگ و کوچک ایران با این ۳ تن برای عبرت‌آموزی کفایت می‌کند. آمریکایی‌ها در دوره جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها مکرر گفتند ما از اصلاح‌طلبان در ایران و منطقه حمایت می‌کنیم. آنها صراحتاً خاتمی را گورباچف ایران هم خواندند و سپس از کمک‌های دولت اصلاحات و وزارت خارجه آن در ماجرای اشغال افغانستان (سال ۲۰۰۱ میلادی) نهایت استفاده را بردند. اصلاح‌طلبان به اعتبار رفتارهای افراطی و تفریطی همیشگی، در کمتر از چند ماه، از توصیه جنگیدن با آمریکا در کنار طالبان (و پس از آن صدام) به مدل همکاری با اشغالگران افغانستان رسیدند. نتیجه چه بود؟ کشور هرگز به اندازه همین دوره در معرض تهدید مستقیم نظامی و ترور شخصیت در حد ابداع واژه «محور شرارت» و انتساب آن به ایران قرار نگرفت. در همین دوره بود که آمریکایی‌ها، خاک عراق را نیز تصرف کردند و به صراحت گفتند حالا نوبت حمله به ایران است. این دوره دست بر قضا با خیانت‌های مدعیان اصلاح‌طلبی در مجلس ششم همراه شده بود؛ خیانتی که همان زمان حتی صدای اعتراض آقای روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی را درآورد.

آقای هاشمی نمونه دیگری برای آزمون است. او و برخی اطرافیانش ایده تنش‌زدایی با غرب را به مرور ابتدا با اروپا در پیش گرفتند و سپس تا مرز رابطه با آمریکا و ضرورت «مرگ بر آمریکا»زدایی پیش رفتند. اما همین آقای هاشمی تنها رئیس جمهور از میان ۷ رئیس جمهور ۳۷ سال اخیر ماست که حکم محکومیت و پیگرد از دادگاه‌های اروپایی گرفته است. اما از این تلخ‌تر، توهم نگاه خوش‌بینانه نسبت به عربستان بود که ترک خورد. ۱۳ مهر ماه ۱۳۹۲ «غلامعلی-ر» مشاور هاشمی در مصاحبه با خبرگزاری مهر گفت «ملک عبدالله پادشاه عربستان برای حج امسال از آیت‌الله هاشمی دعوت کرده است. نکته مهمی که نظر مرا جلب کرد این بود که ملک‌عبدالله که علاقه و اعتماد خاصی به هاشمی دارد. او در تعبیری بسیار عاطفی و کم‌نظیر در پای نامه خود نوشته و امضا کرده است؛ اخوک عبدالله (برادر تو عبدالله). باید قدر این اعتمادها را بسیار دانست؛ افسوس که بعضی نمی‌دانند». بگذریم از اینکه ملک عبدالله بزرگ‌ترین جنایت‌ها را در حق ملت‌های منطقه مرتکب شد. و نیز بگذریم که طبق اسناد فاش شده، ملک عبدالله در همین دوره و در جلسات محرمانه با مقامات آمریکایی می‌گفت «سر مار در ایران است و سر آن را باید کوبید». روزنامه شرق به فاصله چند ماه از نامه کذایی ملک عبدالله، ضمن مصاحبه با معاون عربی و آفریقای وزارت خارجه فاش کرد «بوسه عبدالرحمن عرفان سفیر سعودی در تهران بر پیشانی آقای هاشمی، موجب فراخواندن سفیر به ریاض شده و از آن تاریخ وی به محل مأموریت خود مراجعه نکرده است». یعنی همین یک بوسه سفیر بر پیشانی کسی که شاه عربستان او را برادر خود می‌خواند، موجب توبیخ جناب سفیر شد؛ آن روز هنوز ماجرای قتل عام ۸ هزار حاجی، اعدام شیخ نمر(ره) و حمله به سفارت عربستان پیش نیامده بود.

آخرین تجربه، تجربه آقای روحانی است که ظرف ۸-۲۷ ماه گذشته صورت بسته است. روحانی در هر یک از روزهایی که گفت «آمریکا کدخداست و بستن با کدخدا راحت‌تر است»، «ظرف ۳ تا ۶ ماه می‌توان با غرب به توافق رسید و تحریم‌ها را برداشت»، «آقای اوباما را بسیار مؤدب و با هوش یافتم»، ریسک‌های بسیار بزرگی را انجام داد و حتی می‌توان گفت بعضاً رفتارهایی «پرخطر» و از سر تهوّر را مرتکب شد. اگر اوباما رئیس دولت در جبهه شیطان بزرگ نبود و یک سیاستمدار متعارف جهانی محسوب می‌شد، حتماً باید از چنین خطرهایی استقبال می‌کرد و پاسخی شایسته می‌داد. اما وزارت خارجه شیطان بزرگ حتی دریغ نکرد از اینکه نامزد ویژه آقای روحانی (معاون سیاسی دفتر وی) برای نمایندگی ایران در سازمان ملل را رسماً «تروریست» بخواند و ویزا ندهد. در امتداد همین مسیر و درست در بحبوحه از کارانداختن ۱۴ هزار سانتریفیوژ و به خارج فرستادن ۱۱ هزار تن اورانیوم غنی شده ایران به خارج کشور بود که دولت آمریکا پای مصوبه تحریمی جدید را امضا کرد؛ مصوبه‌ای که ویزای اتباع ۳۸ کشور- از جمله اروپایی- را در صورت سفر به ایران از اعتبار می‌انداخت و محدودیت‌های تردد به آمریکا ایجاد می‌کرد! حالا هم در حالی که وزیر ارتباطات درباره تحریم‌ها می‌گوید «امیدوارم تا پایان هفته خبرهای خوشی برای مردم داشته باشیم» و وزیر اقتصاد می‌گوید «در روزهای آینده تحریم‌ها لغو خواهد شد» و آقای رئیس جمهور اظهار می‌دارد «در روزهای آینده ما شاهد در هم پیچیده شدن طومار تحریم‌ها خواهیم بود»، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با صراحت اعلام می‌کند «برجام، ما را از اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران باز نمی‌دارد». آمریکا در عمل نیز طی هفته‌های اخیر به این وعده وفادار(!) بوده است.

با عنایت به مسیر طی شده در چند سال اخیر روشن است که فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا و متحدانش علیه ملت ایران نه تنها کاهش نخواهد یافت بلکه فزونی خواهد گرفت. از دست دادن چند ده میلیارد دلار در همین مسیر به واسطه کاهش مهندسی شده قیمت نفت (و نیز به واسطه آرامش بخشیدن به بازارهای ملتهب جهانی از طریق دیپلماسی انفعال!) درازای دسترسی نصف و نیمه به چند میلیارد دلار از اموال بلوکه شده خودمان- که البته با واگذاری انبوهی از امتیازات صورت گرفت- در نوع خود درس‌آموز است. البته می‌توان پیش‌بینی کرد غرب به ویژه آمریکا برای عبور مطلوب‌تر از گردنه انتخابات ایران، مجدداً به واگذاری برخی پاداش‌های دارای «شیرینی آدامسی» -به طور مقطعی- مبادرت کند اما یقیناً پس از عبور از انتخابات و اتمام سناریوی انجام تعهدات برجامی ایران، دور تازه فشارها از ماه مارس (اسفند و فروردین آینده) کلید خواهد خورد. با این ارزیابی مبتنی بر واقعیت است که رهبر معظم انقلاب از همه آحاد ملت - حتی آنها که ممکن است دلخوری داشته یا مخالف باشند- دعوت به حضور در رزمایش اقتدار انتخابات می‌کند و ضمناً تأکید می‌ورزد «لیست کسانی که دلشان با آمریکاست، قابل اعتماد نیستند».

خاطرات آقای روحانی از مذاکرات هسته‌ای در این زمینه سند مناسبی برای رهنمود رهبری است آنجا که می‌نویسد «مسئله دوم این بود که تعدادی از نمایندگان [مجلس ششم] طرح ۳ فوریتی برای پذیرش پروتکل الحاقی را امضا کرده بودند. من با آقای خاتمی تماس گرفتم و گفتم اگر طرح در مجلس مطرح شود من استعفا می‌دهم. با آقای کروبی صحبت کردیم و طرح متوقف شد ولی متأسفانه سفرای اروپایی از تهیه طرح با خبر شده بودند... به تیم مذاکراتی گفتیم در مورد پروتکل که در مجلس طرح ۳ فوریتی تهیه می‌کنند، تعلیق را هم که رئیس‌جمهور (خاتمی) اعلام کرده، من دیگر قرار است بر سر چه موضوعی مذاکره کنم»! به اعتبار همین فضای خیانت بود که وقتی تیم مذاکره‌کننده در همان زمان می‌گفتند نمی‌توانیم کوتاه بیاییم، طرف اروپایی اعلام می‌کرد بلوف نزنید، ما از مجلس و دولت شما خبر داریم! بعدها برخی از همین نماینده‌ها در اروپا و آمریکا پناهندگی گرفتند و مدعی راهبری و شورای هماهنگی جنبش سبز در خارج از کشور شدند.

جریان غربگرا اکنون با چالش مهمی روبروست که ردّ آن را می‌توان در تحلیل ۱۲ دی ۹۴ روزنامه شرق پیدا کرد. «اصلاح‌طلبان باید پیروزی انتخابات ۹۲ و مردمی را که رأی دادند فراموش کنند. قاب سیاست آن روز به دلیل ناکامی‌ها در وعده‌های محقق نشده و معطل مانده، کارآیی‌اش را از دست داده است و اصلاح‌طلبان باید قاب تازه‌ای از سیاست را کشف و خلق کنند. اگر روحانی به میانجی آنها روی کارآمد، بعید است آنها به میانجی او مجلس را به دست گیرند. این کار نوعی نقض غرض است». چالش دوم این جریان، پر شدن و اشباع‌شدگی ظرف طفیلی‌گری است. آنها از افراطی‌گری خروج از حاکمیت در سال ۸۳-۸۲ به خروج علیه حاکمیت در فتنه و آشوب ۸۸ (فربه شده آشوب تیر ۷۸) رسیدند و به اعتبار ساختارشکنی خود خواسته، در قاب خارج از حاکمیت قرار گرفتند و داغ پادویی دشمنان خونی ملت ایران به پیشانی‌شان خورد. اطلاق و الصاق عناوینی نظیر میانه‌روی یا اصلاح‌طلبی به این طیف هرگز نمی‌تواند سوابق سیاه و ممتد وطن‌فروشی و خیانتی را که در حق یک ملت بزرگ مرتکب شدند، پاک کند. آنها به سیاق بنی‌صدرها و رجوی‌ها درست در روزگاری که دشمن بنای تشدید عداوت و فشار علیه ملت ایران را داشت، در جبهه دشمن ایستادند بلکه نوک پیکان حمله او شده یاگرای دقیق به هدف زدن را به دشمنان دادند. حساب پادوهای غرب حتی از جریان خوش‌بین به غرب هم جداست. آنها در انتخابات خط قرمز نظام محسوب می‌شوند چون هم از اسلامیت عبور کردند و هم رأی مردم را که حق‌الناس بود زیر پای اشرافیگری، امتیازطلبی و گردن‌کشی مقابل قربانی کردند. وطن این جماعت آمریکا و اسرائیل و انگلیس و الجنادریه‌هاست همان‌گونه که وطن منافقین در روزگار جنگ تحمیلی، واشنگتن و لندن و پاریس و تل‌آویو و بغداد شده بود. هر کدام آنها به اعتبار فتنه‌انگیزی، آشوب‌افکنی، فساد فی‌الارض و تشجیع و تجهیز دشمن، سزاوار چندبار اعدامند؛ طرد از جشن انتخاباتی ملت ایران که جای خود دارد.

محمد ایمانی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

تاکتیک انتخاباتی آمریکا
نقاب «میانه‌روی» بر چهره «فتنه‌گران»

سرویس سیاسی-

نگاهی به مواضع آشکار و پنهان آمریکایی‌ها نشان می‌دهد تاکتیک آنها برای انتخابات پیش‌رو حمایت از طیف فتنه گر و شکست خورده پیشین است، البته این بار فتنه‌گران با نقاب و تابلوی میانه روی وارد صحنه شده‌اند.

اندیشکده «آمریکن اینترپرایز» در گزارشی به قلم «متیو مک‌کینس» هدف اصلی اوباما رئیس جمهور آمریکا از توافق هسته‌ای را این گونه عنوان کرد:«اوباما امیدوار است که توافق هسته‌ای با ایران به تغییر سیاست‌های تهران و نهایتا تغییر ماهوی جمهوری اسلامی ایران منجر شود».

اندیشکده‌های آمریکایی در گزارش‌های جداگانه با اشاره به اهداف واشنگتن در پسابرجام بر این موضوع تاکید کردند که طرح آمریکا برای نفوذ و بازگشت به ایران، یک طرح ده ساله و چند مرحله‌ای است که در مراحل پایانی می‌بایست به تعامل راهبردی و تعیین نقش برای ایران از سوی آمریکا منتهی گردد. این طرح سه راهبرد «مهار»، «تغییر رفتار» و «تغییر ساختار» جمهوری اسلامی را در دستور کار دارد. این طرح برای نفوذ و بازگشت به ایران بعد از فتنه آمریکایی ۸۸ و شکست آن، کلید خورد.

رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیر با مردم قم فرمودند: آمریکایی‌ها در سال ۸۸ به دنبال آن بودند که تجربه موفق خود در چند کشور را به بهانه انتخابات در ایران نیز اجرا کنند و با برجسته‌سازی اقلیتی که رأی نیاورده بود و با حمایت مالی و سیاسی از آنها نتیجه انتخابات را به هم بزنند اما کودتای رنگی آنها در ایران با حضور مردم، شکست خورد.

خیانت فتنه‌گران نابخشودنی است

در سال ۱۳۸۸، فتنه گران به بازی در زمین دشمن و اجرای مرحله به مرحله نقشه آمریکایی- صهیونیستی کودتای مخملی اقدام کردند. این فتنه‌گری با ادعای تقلب و امتناع از پذیرفتن مکانیسم‌های قانونی شروع شد و با آشوب به براندازی ختم شد. براساس شواهد متعدد، هدف اصلی تزلزل اصل حاکمیت و فراتر از آن اصل اسلام بود چنان که اوباش آشوبگر تحریک شده توسط سران فتنه شعار «انتخابات بهانه است- اصل نظام نشانه است»، «مرگ بر اصل ولایت‌فقیه»، «استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی(با خط کشیدن روی نام اسلام)» و «نه غزه نه لبنان» سر داده و سرانجام هتاکی علیه امام حسین علیه‌السلام را در روز عاشورا مرتکب شدند. جنایات سران فتنه در کنار همکاری با دشمن در تشدید تحریم‌های ضد ایرانی خسارت‌های بزرگی را بر کشورمان تحمیل کرد.

حمایت علنی آمریکا از فتنه گران

«هیلاری کلینتون» وزیر امور خارجه سابق آمریکا در کتاب «انتخاب‌های دشوار» می‌نویسد: «دولت باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا در سال‌های بعد از اغتشاشات انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ در ایران با صرف ده‌ها میلیون دلار به آموزش بیش از ۵۰۰۰ نفر از مخالفان ایران در سراسر دنیا پرداخت».

کلینتون همچنین در مصاحبه با بی‌بی سی فارسی- سوم آبان ۹۰- به صراحت گفت:دولت آمریکا از بیرون ایران هر حمایتی از دستش بر می‌آمد از معترضان کرد، از جمله از سایت توییتر خواست که اعمال تغییرات خود را مدتی به تعویق بیندازد.

«مایکل لدین» چهره شناخته شده آمریکایی نیز در سال ۲۰۱۲ در مصاحبه با «بنیاد سرمایه گذاری تجاری آمریکا» گفت: سران جنبش سبز در یک نامه ۸ صفحه‌ای خطاب به «باراک اوباما» خواهان تداوم کمک و حمایت‌های آمریکا شدند و با تشریح شرایط ایران خواستند آمریکا هر تصمیمی لازم است اتخاذ کند.

رهبرمعظم انقلاب در دیدار اخیر ائمه جمعه سراسر کشور با اشاره به حضور پرشکوه ۴۰ میلیونی ملت در انتخابات سال ۸۸ یادآوری کردند: در آن سال، برخی با حرف‌های منکر و ناپسند، ادعای تقلب را مطرح کردند و خواستار برهم خوردن نتایج آرا شدند. ما با آنها خیلی مماشات کردیم که جزئیات آن طولانی است، گفتیم بیایید هر تعداد صندوق که می‌خواهید بازشماری شود اما به توصیه‌ها اعتنایی نکردند چون بنا نبود که حرف حق را بپذیرند.

رهبر انقلاب یادآور شدند آن کار و آن ادعا، خسارت‌های زیادی بر ملت و کشور وارد آورد که تاکنون جبران نشده و نمی‌دانیم قرار است کی جبران شود؟

ایشان تصریح کردند مخالفت با اعلام نتایج انتخاباتی پس از اعلام از سوی مراکز قانونی، ضد حق الناس است. به عبارت دیگر «ناقضان حق‌الناس در سال ۸۸» صلاحیت حضور در انتخابات را به اعتبار سوابق سیاه خود ندارند؛ رهبر انقلاب در این زمینه نیز تصریح کردند از جمله عرصه‌های رعایت حق‌الناس این است که اگر کسی صلاحیت قانونی نداشت، با اغماض و بی‌دقیقی او را وارد عرصه نکنیم که این بی‌توجهی ضدحق‌الناس است.

تغییر تابلو و حضور با عنوان میانه‌رو

پس از ناکامی فتنه گران در سال ۸۸ و پاسخ دندان شکن ملت ایران در یوم الله ۹ دی، این جماعت تابلوی خود را تغییر داده و با عنوان میانه رو در تلاش برای بازگشت به صحنه هستند.

داستان پوست اندازی حزب منحله مشارکت و حضور با نقابی جدید یکی از مصادیق این ترفند است. نخستین کنگره حزب موسوم به «اتحاد ملت ایران» با حضور افراد دخیل در فتنه ۸۸ در مردادماه سالجاری برگزار شد. با نگاهی به برخی اعضای حاضر در این نشست کاملا مشخص می‌شود که حزب فتنه‌گر و منحله مشارکت این بار با نقابی جدید کار خود را برای فتنه‌ای دیگر آغاز کرده است.

پس از پایان مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵، نشریه «نشنال‌اینترست» در گزارشی نوشت:«آمریکا با ارائه مقدار مشخصی از همکاری و تضمین امنیت به ایران، نیروهای اصلاح طلب را برای تغییر شکل دادن مسیر انقلاب کمک می‌کند و از جو بسیج عمومی علیه تهدیدات آمریکا می‌کاهد. این پروسه به معنای تضعیف نیروهای انقلابی در تهران و ایجاد امید برای تغییرات دلخواه ما در آینده خواهد بود».

ترویج اصلاحات آمریکایی در پسابرجام

«پیتر هارل» از پژوهشگران اندیشکده «مرکز امنیت آمریکای جدید» نیز با اشاره به نحوه رویارویی آمریکا با ایران در پسابرجام گفت:«آمریکا باید یک استراتژی تهاجمی ترویج اصلاحات سیاسی و اجتماعی در ایران را دنبال کند. آمریکا در این موضوع که قبل از انقضای توافق هسته‌ای، شاهد اصلاحات سیاسی در ایران باشد، یک منفعت و علاقه زیادی دارد. آمریکا باید با سرمایه‌گذاری کردن روی توافق هسته‌ای، به ترویج اصلاحات در ایران کمک کند تا تعامل بیشتر مؤسسات غیردولتی آمریکایی و بین‌المللی با نهادهای جامعه مدنی در ایران تسهیل شود. همچنین واشنگتن از فعالانی در ایران که به‌دنبال اصلاحات سیاسی در کشور هستند ادامه دهد.»

بقیه در صفحه ۱۰

گفت و شنود

خبرخوش !

گفت: یک مقام آگاه گفته است ۷ روز دیگر خبر خوش رفع تحریم‌ها از راه می‌رسد!

گفتم: اول که قرار بود بعد از ۱۰۰ روز برسد، بعد ۳ ماه و بعد ۶ ماه و ... حالا بعد از ۲ سال و نیم که از وعده اولی گذشته، می‌گویند ۷ روز دیگر!

گفت: احتمالاً آمریکایی‌ها یک چندر غازی از پول‌های کلان خودمان را که مسدود کرده‌اند، تحویلمان می‌دهند و مثل همیشه به جای اینکه خودشان را بدهکار بدانند، طلبکار هم می‌شوند!

گفتم: یارو سوار تاکسی شده بود، به مقصد که رسید، از راننده پرسید، چقدر میشه؟ راننده تاکسی گفت ۴۰۰ تومن. یارو گفت؛ ۲۰۰ تومن؟ چه خبر ته؟... حالا بیا این ۲۰ تومن رو بگیر... وقتی پیاده شد، راننده تاکسی دید یک اسکناس ده تومنی داده که یک گوشه هم نداره!

نامزد انتخابات خبرگان:

رانت اجتهاد بدترین نوع رانت است

کاندیدای خبرگان رهبری گفت: اینکه بگوییم اگر کسی اجتهاد دارد دیگر لازم به آزمون نیست، به تشخیص شورای نگهبان بستگی دارد و همه در این زمینه یکسان هستند.

حجت‌الاسلام محمدحسن محرمی کاندیدای پنجمین دوره خبرگان رهبری در گفت‌وگو با فارس، با اشاره به نقش شورای نگهبان در احراز اجتهاد کاندیداهای خبرگان اظهار داشت: یکی از شرایط مجلس خبرگان، اجتهاد است و از این جهت باید آزمونی برگزار شود تا مشخص شود که افراد مجتهد هستند یا خیر.

حجت‌الاسلام محرمی ادامه داد: برگزاری آزمون علمی برای تشخیص اجتهاد یک راه عقلایی است، همانطور که برای مجلس شورای اسلامی وقتی شرط مدرک گذاشته شده، باید آن را ارائه کنند و از این رو وقتی در خبرگان شرط اجتهاد گذاشته شده، باید این اجتهاد احراز شود و حرفی هم در آن نیست.

وی با اشاره به اینکه طبق مصوبه خبرگان، احراز صلاحیت اعضای این مجلس برعهده شورای نگهبان است، تصریح کرد: به هر حال، برگزاری آزمون، بهترین و آسان‌ترین راه برای تشخیص اجتهاد افراد است و کسی که آزمون را برگزار می‌کند باید مرجعی باشد که خودش مجتهد است.

این کاندیدای مجلس خبرگان تأکید کرد: بنابراین کسی که برای انتخابات خبرگان ثبت‌نام کرده، یعنی شورای نگهبان و فقهای این شورا که همگی منصوب رهبری هستند را قبول دارد.

این کاندیدای مجلس خبرگان با بیان اینکه رانت در همه زمینه‌ها ناسالم است و در بحثی مانند اجتهاد بسیار بدتر است، گفت: اینکه بگوییم اگر کسی اجتهاد دارد دیگر لازم به آزمون نیست، به تشخیص شورای نگهبان بستگی دارد و همه در این زمینه یکسان هستند.

چطور ۴۰۰ نامزد از زمان آزمون اطلاع داشتند ولی برخی نه ؟!

الیاس نادران نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با اشاره به پروژه فشار به شورای نگهبان در آستانه انتخابات هفتم اسفندماه درباره تائید صلاحیت‌ها، اظهار داشت: با توجه به اینکه داوطلبان مجلس خبرگان رهبری باید از سطح بالاتری در تائید صلاحیت‌ها به واسطه مسئولیت‌های مهمی که بر عهده دارند، برخوردار باشند، لذا این شرایط ایجاب می‌کند شورای نگهبان همه جوانب موضوع را با دقت کافی و به صورت متقن در نظر بگیرد.

وی همچنین گفت: فقهای محترم شورای نگهبان در مورد انتخابات مجلس خبرگان رهبری ضوابط و مقرراتی را تعیین کردند، ولی عده‌ای می‌گویند از دعوت‌شان به آزمون علمی مطلع نبودند، باید پرسید چطور آن ۴۰۰ کاندیدایی که در آزمون علمی شرکت کردند، مطلع شدند اما بقیه مدعوین مطلع نشدند؟! البته شاید آنان «نخواستند» در آزمون شرکت کنند.

خبر ویژه

مردم در طرح‌های اقتصادی دولت اصلاً دیده نمی‌شوند

یک اقتصاددان اصلاح‌طلب می‌گوید: سیاست «خروج از رکود» دولت کاملاً بی‌خود است.

حسینی راغفر در مصاحبه با روزنامه اطلاعات نتیجه سیاست‌های اقتصادی دولت را تشدید فقر و نابرابری دانسته و گفته است: پارادایم سلطه که همان سلطه نظام مالی ایجاد شده است، اقتصاد کشور را به شدت تخریب کرد و این شعارهای توخالی بی‌محتوا به نام بازار، در بستر فساد کشور وجود دارد و عملاً بازار کار نمی‌کند.

مدرس دانشگاه الزهرا با اشاره به سیاست دولت درباره خروج از رکود گفت: در این سیاست که چهار هزار میلیارد تومان قرار است به نام خرید تولیدات داخلی به بانک‌ها تزریق شود، سیاستی کاملاً «بی‌خودی» است، زیرا اغلب این کالاهای داخلی یعنی ۹۵ درصد آنها مونتاژ و در حقیقت کالای خارجی است.

وی تصریح کرد: بانک‌ها، پتروشیمی‌ها و بنگاه‌های بزرگ، سیاست‌های اقتصادی را به دولت دیکته می‌کنند؛ گرچه اسم این سیاست، خروج از رکود است اما اینها عملاً باعث می‌شود که جامعه فراتر از مرزهای نگرانی برود.

استاد دانشگاه الزهرا با مثبت ندانستن روند خصوصی‌سازی گفت: اخیراً بحث خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و بهداشت مطرح شده که نتیجه این خصوصی‌سازی چه می‌تواند باشد جز بدتر شدن وضعیت جامعه.

وی با تأکید بر اینکه بازار اقتصاد، از دستفروشان تا پتروشیمی را دربر می‌گیرد، افزود: متأسفانه امروز فقط پتروشیمی را می‌بینیم و نامه چهار وزیر به رئیس جمهوری نیز در راستای حمایت از این پتروشیمی‌ها بود نه چیز دیگر؛ در حالی که برای حمایت از پتروشیمی‌ها، گازوئیل کشاورز چند ۱۰ برابر شده و کسی به آن اشاره نمی‌کند.

وی همچنین گفته است متأسفانه در طرح‌های اقتصادی، اصلاً مردم دیده نمی‌شوند.

پیغام خصوصی تندروهای اصلاحات به روحانی: این قدر تند نرو!

سخنگوی حزب نزدیک به رئیس جمهور معتقد است اصلاح‌طلبان به هنگام حاکمیت تندروی کردند.

غلامعلی دهقان گفت «حزب اعتدال و توسعه یک حزب اصولگرا نیست» درباره نزدیک شدن جریان اعتدال و اصلاح‌طلبان گفت: به دو شیوه می‌توان به ماجرا نگاه کرد. یکی اختلاف فکری و مبنایی است و اختلاف دیگر تشکیلاتی است. اختلافات جریان اعتدال با اصلاحات برمی‌گردد به عملکرد برخی از اصلاح‌طلب‌ها در دوران اصلاحات که تندروی‌هایی کردند. در آن زمان اعتدال و توسعه به دوستان اصلاح‌طلب نقد داشت. به ویژه در برخوردهایی که با پدر معنوی این جریان یعنی آقای هاشمی داشتند و القابی را به کار می‌بردند.

به گزارش روزنامه آرمان وی می‌افزاید: اینکه اشاره می‌کنید ما به اصلاحات نزدیک شدیم، واقعیت این است که آنها به ما نزدیک شدند، یعنی آنها محوریت داشتند و کنشگر اصلی بودند اما اعتدال و توسعه در حاشیه بود اما اکنون اصلاح‌طلب‌ها دارند حرف‌های ما را می‌زنند و من خبر دارم که در جلسات خصوصی به ما پیغام می‌دهند که به آقای روحانی بگویید اینقدر تند نرود. آنها اکنون از ما معتدل‌تر حرکت می‌کنند. می‌گویند که دولت تجربه ما را تکرار نکند.

وی درباره مواضع اعضای حزب اعتدال و توسعه اظهار داشت: خانم فاطمه هاشمی زمانی خیلی اصولگرا بود اما تحولات پس از سال ۸۸ ایشان را به سمت اصلاح‌طلب‌ها آورده است. مواضع ایشان تندتر شده است. آقای ترکان و آقای بانک به اصلاح‌طلب‌ها نزدیک‌تر هستند و آقای نوبخت تقریباً بینابین است.

وقتی روزنامه آمریکایی امام(ره) را اخمو و سید حسن را میانه‌رو می‌خواند

مقام‌های آمریکایی با دقت انتخابات ایران را دنبال می‌کنند و امیدوارند میانه‌روها در مقابل تندروها به پیروزی برسند.

روزنامه واشنگتن پست در سرمقاله‌ای نوشت: کشمکش میان میانه‌روها و تندروها در مسیر بروز در انتخابات پیش روی مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان قرار دارد؛ کشمکشی که می‌تواند تعادل سیاسی در ایران در سال‌های آتی را شکل بدهد.

این روزنامه می‌افزاید: مقام‌های آمریکایی که با دقت مانورهای پیش از انتخابات را دنبال می‌کنند، انتظار دارند در صورتی که تندروها نتیجه انتخابات را با حذف کاندیداها تغییر ندهند انتخابات هفتم اسفند ماه «دستاورد اندکی» برای اردوگاه میانه‌روهای اطراف حسن روحانی رئیس جمهوری ایران و تداوم حرکت در مسیر گشایش به سوی غرب داشته باشد.

واشنگتن پست نوشت: فشارسنج سیاسی که آمریکایی‌ها به آن دقیق شده‌اند، سرنوشت کاندیداتوری حسن خمینی، نوه آیت‌الله خمینی، است که اگرچه به طور مستقل شرکت کرده اما به عنوان یکی از حامیان سیاست‌های روحانی شناخته می‌شود.

روزنامه آمریکایی در ادامه می‌نویسد: کشمکش فعلی با بررسی صلاحیت کاندیداها توسط شورای نگهبان شدت خواهد گرفت. تندروها احتمالاً می‌کوشند راه را برای خود هموار کنند اما میانه‌روها با ثبت نام حدود ۱۲ هزار داوطلب که رد صلاحیت جمعی‌شان اعتبار انتخابات را زیر سؤال می‌برد آمادگی خود را به نمایش گذاشته‌اند.

این روزنامه در پایان نوشت: شکاف سیاسی روزافزون در ایران در تضاد با آنچه مقام‌های آمریکا از آن به عنوان تمرکز قدرت در خاندان سلطنتی در عربستان سعودی نام می‌برند قرار دارد. کشمکش قدرت در ریاض در ماه اکتبر میان ولیعهد شاهزاده محمد بن نایف و معاون سی ساله سرسخت او پرنس محمد بن سلمان آغاز شد. رودررویی اخیر ریاض و تهران یادآور این نکته است که سی و هفت سال پس از انقلاب در ایران هنوز پس لرزه‌های آن خاورمیانه را می‌لرزاند. جالب است که چهره میانه‌روی انتخابات اسفند ماه در ایران، نوه آیت‌الله اخم‌رویی است که این انقلاب را به پا کرد.

کش و قوس ۲۷ ماهه در دولت برای خروج پتروشیمی از بورس

در حالی که ۲۷ ماه از عمر دولت می‌گذرد هنوز هم اختلاف بر سر ماندن یا خروج پتروشیمی در بورس حل نشده است.

به نوشته روزنامه شرق، سخنگوی دولت در جمع خبرنگاران نظر خود را درباره خروج پتروشیمی‌ها از بورس اعلام کرد و گفت: «خروج پتروشیمی از بورس نظر شخصی آقای نعمت‌زاده است و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، موافق آن نیست. اما هنوز در دولت مطرح نشده که نظر دولت را بگوییم». این در حالی است که نعمت‌زاده هنوز هم بر خواسته خود اصرار می‌کند و به همین دلیل دوباره این پرونده را به ستاد هدفمندی یارانه‌ها فرستاد. هر چند هنوز نتیجه آن مشخص نشده، اما صحبت‌های نوبخت مخالفت‌ها در میان بدنه کارشناسی دولت را نیز تأیید می‌کند.

شرق می‌افزاید: بر هیچ کس پوشیده نیست که وزارت صنعت، معدن و تجارت اصلی‌ترین مخالف عرضه مواد پتروشیمی در بورس کالا است که البته از زمان تکیه زدن محمدرضا نعمت‌زاده بر مسند این وزارتخانه، صدای مخالفت‌ها با بورس کالا شنیده شد. اما در طرف مقابل چندین مصوبه هیئت دولت مبنی بر عرضه محصولات در بورس کالا و همچنین اثرات مثبت عرضه چند ساله محصولات پتروشیمی در بورس کالا با آمار و ارقام در روند تولید کشور وجود دارد که این معادله را پیچیده می‌کند.

مهدی تقوی، اقتصاددان در این زمینه می‌گوید: بورس کالا از بسترهای رسیدن به اقتصاد شفاف و رقابتی است. وقتی انحصارزدایی و حذف زمینه‌های رانت از اقتصاد از برنامه‌های دولت است، چطور می‌شود که برخی به دنبال تضعیف یکی از ساختارها و نمادهای شفافیت اقتصادی در کشور هستند. عرضه و معاملات محصولات پتروشیمی در بورس کالا برای اقتصاد نتایج مثبتی داشته زیرا سبب ثبات در قیمت‌ها و شکل‌گیری بازار رقابتی شده است. خروج محصولات پتروشیمی از بورس کالای ایران، بازار رقابتی را تبدیل به بازار انحصاری با بازیگران اندک کرده و به مرور زمان نیز به افزایش قیمت‌ها کمک می‌کند. از سوی دیگر سبب کاهش شفافیت در خصوص اطلاعات معاملات خواهد شد و همه این موارد به زیان صنعت پتروشیمی و دولت خواهد بود.

بهمن آرمان نیز گفته است: ساز و کار بورس کالا برای هر اقتصادی ثمرات زیادی دارد و دولت‌ها می‌توانند از این بازار برای فاصله گرفتن از اقتصاد دستوری و رسیدن به مکانیسم بازار استفاده کنند.

اینکه تلاش می‌شود برخی محصولات پس از سال‌ها معامله در بورس کالا و آزادسازی قیمت‌ها از بورس خارج شوند، حاصلی جز سردرگمی و آشفتگی بازار ندارد و مسئولان نباید هیچ بازاری از جمله پتروشیمی را به حال خود رها کنند. به مرور زمان در روند بازارها و قیمت برخی محصولات، تغییراتی حاصل می‌شود که در صورت نیاز، روند معاملات آن کالاها در بورس نیز می‌تواند تغییر کند تا فعالان آن بازارها با مشکلی رو به رو نشوند. اما اینکه بخواهیم بخشی از معاملات را اختیاری یا از بورس کالا خارج کنیم، به واسطه نظارت حداقلی در بازار غیر رسمی، شمار زیادی از واسطه‌ها به بازیگران واقعی بازار اضافه می‌شوند و زمینه رانت و فساد فراهم می‌شود.

عربستان با ارتش مزدوران بازنده هر جنگی خواهد بود

عربستان فقط در یک سال ۵۷ میلیارد دلار هزینه نظامی کرد اما با این همه فاقد ارتش ملی است و با مزدوران خارجی فاقد روحیه اداره می‌شود.

سایت العهد با انتشار این تحلیل نوشت: عربستان دومین کشور بزرگ عربی محسوب می‌شود رتبه اول را از نظر ذخایر نفت و تولید و صدور آن در سطح جهان دارد. این کشور ۲۸ میلیون نفر جمعیت دارد که ۲۳۳ هزار نفر از آنها ارتش این کشور را تشکیل داده‌اند. هزینه‌های نظامی عربستان در سال ۲۰۱۵ به حدود ۵۷ میلیارد دلار رسید که رتبه سوم در جهان بود.

به گزارش العالم، این گزارش می‌افزاید: از ۱۰ ماه قبل نظام آل‌سعود همه توان اقتصادی و نظامی خود را علیه یمن به کار گرفت تا دولت مستعفی و دست‌نشانده را به سر کار بازگرداند. عربستان سعودی در این حملات با کمک همپیمانان خود حتی مناطق مسکونی و زیر ساخت‌های شهری را هدف قرار داد و آثار باستانی و مساجد بسیاری را نیز منهدم کرد، اما پاسخ نیروهای ارتش و کمیته‌های مردمی یمن به این حملات تجاوزکارانه و هدف قرار گرفتن مواضع نظامی سعودی حتی در خاک عربستان، باعث شد ناتوانی نظامی عربستان بیش از پیش مشخص شود.

به همین دلیل نظام آل‌سعود به اجبار دست به دامان کشورهای کوچکتر و ضعیف‌تر و برخی شرکت‌های بین‌المللی متخصص در زمینه جنایت شد، تا از آنها برای سرکوب یک ملت بی‌دفاع و فقیر کمک بخواهد. خبرها حکایت از آن دارند که عربستان ۲۱۰۰ تفنگدار سنگالی را اجیر کرده است. همچنین بیش از ۲۵۰ عنصر مسلح از چاد را به طور سری و با هماهنگی با مقامات آن کشور در ازای یک زد و بند مالی به خدمت گرفته است. علاوه بر این صدها مزدور کلمبیایی را هم اجیر کرده است؛ ژنرال بازنشسته خایمی روث، در گفتگو با رادیو محلی کلمبیا گفته بود برخی از تفنگداران سابق ارتش کلمبیا برای جنگیدن تحت فرماندهی عربستان، عازم منطقه شده‌اند. برخی روزنامه‌های کلمبیایی هم نوشته‌اند مجموع مزدوران این کشور که در کنار سعودیها در یمن می‌جنگند به ۸۰۰ نفر می‌رسند.

استفاده از مزدوران دیگر کشورها بیانگر درماندگی ارتش سعودی و شکست‌هایی است که در تجاوز به یمن متحمل شده‌اند، و نشان می‌دهد که روحیه سربازان سعودی که از میدان جنگ و رویارویی با نیروهای یمنی فرار می‌کنند، تا چه حد پایین است.

سرتیپ هشام جابر، رئیس مرکز مطالعات خاورمیانه می‌گوید: عربستان نه تنها مجبور شده دست به دامان عناصر مسلح مزدور شود بلکه با دادن مبالغ هنگفتی چند خلبان را هم استخدام کرده است.

وی می‌افزاید: سودان هم بخشی از ارتش خود را در ازای مبالغی، در اختیار عربستان قرار داده است تا در تجاوزات این کشور به یمن سهیم باشند.

رئیس مرکز مطالعات خاورمیانه در ادامه می‌گوید: با گذشت زمان این مزدوران هم کاری از پیش نبردند. وی با اشاره به موضوع تضاد انگیزه بین یک مزدور و رزمنده‌ای که از وطنش دفاع می‌کند می‌گوید: مزدور برای پول می‌جنگد و وقتی که می‌بیند جانش به خطر افتاده دست از جنگ می‌کشد در حالی که رزمنده مدافع از وطنش دفاع می‌کند و این انگیزه هیچ وقت از بین نمی‌رود.

سرتیپ جابر می‌گوید عربستان با سلاح فراوان می‌تواند جنگ‌افروزی کند اما یک ارتش ملی که توان و تجربه جنگیدن داشته باشد ندارد. چون پیش از این در هیچ جنگی شرکت نکرده است، لذا هر کاری که می‌کند به باد فنا می‌رود و هیچ وقت به نتیجه نمی‌رسد.

جابر خاطرنشان می‌کند: درست است که جنگ‌ساز و برگ جنگی می‌طلبد اما فاکتورهای دیگری هم لازم است؛ مثل توان رزمی و روحیات بالا و عقیده که از همه چیز مهمتر است. عقیده همان سلاح قدرتمندی است که عربستان از آن بی‌بهره است، به همین دلیل هیچ وقت پیروز نمی‌شود.

رئیس مرکز مطالعات خاورمیانه در پایان خاطرنشان می‌کند عربستان خود را درگیر جنگ بیهوده‌ای در شنهای روان یمن کرده است و هیچگاه در آن پیروز نخواهد شد.

در همین حال خبرگزاری بلومبرگ گزارش داد آمریکا حدفاصل سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵، حدود ۱۱۱ میلیارد دلار سلاح به عربستان سعودی فروخته است.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
۳۳۹۱۶۵۴۶ تمام ساعات شبانه‌روز
سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳

* جان کری می‌گوید اجرای برجام می‌تواند سریع‌تر انجام شود ولی ما تمام فعالیتهای موشکی و منطقه‌ای ایران را بررسی می‌کنیم. این مغلطه خطرناک چند پیام دارد. از جمله ۱- آنها الگوی برجام را صرفا در مسائل هسته‌ای متوقف نکرده‌اند و به دنبال گسترش آن در زمینه مسائل غیرهسته‌ای هستند. ۲- برای دولت آمریکا برجام به منزله زمینه نفوذ برای متوقف نمودن اهداف انقلابی جمهوری اسلامی در مسائل منطقه‌ای و تضعیف اقتدار آن در افکار عمومی است، لذا لازم است دولتمردان ما نسبت به این گستاخی‌های وقیحانه پاسخ قاطعانه انقلابی دهند و سکوت نکنند.

۰۸۱---۸۹۷۹

* در قضیه برجام و هسته‌ای بارها دلسوزان نظام از غیرقابل اعتماد بودن آمریکا سخن گفتند ولی آنچه از سوی دولت تدبیر شنیده نشد همین بود. حالا همه شاهدند هنوز جوهر برجام خشک نشده آمریکا تحریم‌های جدید با بهانه‌های جدید مثل موشک را در دستور قرار داده است و قطعا فردا بهانه‌های متعدد دیگر مثل حجاب، دفاع از حزب‌ا... و فلسطین، اسلامی بودن نظام و... را پیش خواهد کشید. خداوند مسئولین دولتی را بیدار کند.

۰۹۱۷---۹۱۰۷و۰۹۱۶---۴۵۰۴

* امام خامنه‌ای به عنوان دیده‌بان امین نظام جمهوری اسلامی برجام را چیز عجیبی می‌نامند که دشمن درصدد نفوذ از آن طریق است و به طور موشکافانه به آن می‌پردازد، ولی دولت منتقدان را تهدید و تحقیر می‌کند!

۰۹۱۲---۶۷۷۵

* تاکید مجدد رهبر معظم انقلاب بر نقش فتنه‌گران و همراهی‌شان با دشمنان نظام، کودتای رنگی و ناکام سال ۸۸، انتخاب را برای مردم آسان و کار شورای محترم نگهبان را برای حفظ حق‌الناس سخت‌تر می‌کند. البته این رهنمودها، دلگرمی و پشتوانه‌ای برای اجرای قانون است. از سوی دیگر تایید برخی از افراد آلوده به فتنه از سوی هیئت اجرائی قابل تامل است. چون هر شهروند با کمترین سواد سیاسی به خوبی می‌داند که فتنه‌گران و سران آن چه نقشی در همسویی با دشمن در براندازی نظام داشته‌اند. لازم است مسئولان مربوط پاسخ روشن و شفاف برای اذهان عمومی داشته باشند.

نراقی

* وقتی رهبر معظم انقلاب به دفعات مکرر و متعدد فتنه سال ۸۸ را خط قرمز نظام اعلام کرده‌اند چرا بعضی از دولتمردان این دولت با سران فتنه دیدار کرده و برای آنها آرزوی طول عمر می‌کنند. راست و حسینی مشخص کنند کدام طرفی هستند.

۰۹۳۹---۷۹۱۱

* شورای نگهبان باید برای جلوگیری از نفوذ افرادی که وابسته به دشمن هستند خیلی جدیت به خرج دهد و صلاحیت کاندیدا را با دقت و شدت مورد بررسی قرار دهد.

۰۲۱---۸۸۵۰

* آیا این همه حرکات برخلاف مسیر اقتصاد مقاومتی از سوی مجریان دولت و هزینه کردن ارز برای کالاهایی مثل آدامس، سنگ‌پا و بیل و کلنگ و لوازم آرایشی، خودرو لوکس و... بر باد دادن منافع ملی نیست؟

سرابی

* اگر قطع رابطه رژیم تکفیری عربستان با ایران مشکلی برای کشورمان ایجاد نمی‌کند باید خیلی راحت از کنار موضوع عبور کرد نه اینکه رسانه‌ها و مطبوعات طی چند روز تیترهای خود را به این موضوع اختصاص بدهند. به نظر می‌رسد بعضی از روزنامه‌ها به آنچه می‌نویسند اعتقاد ندارند.

۰۹۱۹---۸۸۹۵

* رهبر معظم انقلاب در قضیه منا یک هشدار به عربستان دادند، راه رسیدگی و شناسایی اجساد شهدای منا فراهم شد. ولی با سیاست هماهنگی همه چیز با آمریکا از سوی دولت جسارت‌ها و گستاخی‌های آل‌سعود علیه ایران و ایرانیان بیشتر می‌شود. چرا جان‌کری که ارباب سعودی‌هاست باید ادعای میانجی بیطرف بین دولت روحانی و دولت آل‌سعود را داشته باشد؟

۰۹۱۲---۳۱۰۴

* از آقای رئیس‌جمهور و وزیر خارجه کشورمان انتظار می‌رفت همان‌گونه که حمله مشکوک به سفارت عربستان در ایران را محکوم کردند، حمله نظامی عربستان به سفارت کشورمان در یمن را محکوم کرده و به آن جواب دندان‌شکن بدهند.

۰۹۱۷---۲۵۱۷

* ای کاش دولت همین مقدار تعصب و تلاش و پیگیری در رسیدگی فوری به قضیه حمله به سفارت عربستان در ایران را در رابطه با قضیه کشتار ۵۰۰ نفر از زائرین خانه خدا در منا داشت.

۰۹۳۹---۷۹۱۱

* اگرچه حمله به سفارت عربستان کار غلط و اشتباهی بوده و چه بسا از سوی دیپلمات‌های عربستانی مدیریت شده باشد ولی اینکه این موضوع توسط آقای رئیس‌جمهور به مسئله اول کشور تبدیل شود قدری عجیب است. چون مستمسک خوبی برای سعودی‌ها شد تا جنایت‌شان به حاشیه برود.

۰۹۱۷---۵۵۲۴ و ۰۹۱۲---۸۲۲۰

* کسانی که خواهان محاکمه سریع و خارج از نوبت حمله‌کنندگان به سفارت آل سعودند، ای کاش برای محاکمه فتنه‌گران ۸۸ که به مساجد و دسته‌های عزاداری حمله کردند و به اموال عمومی و مردم و به حیثیت نظام تعرض کردند و هنوز نیز بر بغی خود باقی‌اند نیز چنین برآشفته می‌شدند و برخی از همین فتنه‌گران را در بدنه دولت به کار نمی‌گرفتند.

۰۹۱۶---۴۵۰۴

* با اینکه فردی فاقد شغل شده‌ام ولی اگر رهبر عزیز کشورمان فرمان بدهد در مقابل هر بیگانه‌ای که چشم طمع به خاک این کشور داشته باشد و یا درصدد توهین به مقدسات و ارزش‌های این نظام برآید تا آخرین قطره خون می‌ایستم و دفاع می‌کنم.

۰۹۱۱---۲۴۳۱

* اگر کسانی که امام حسین(ع) را به کوفه دعوت کردند پای دعوت خود ایستادگی می‌کردند نیاز به قیام توابین و ریختن خون‌های زیاد بدون نتیجه هم نبود. عدم اقدام به موقع و شناختن وظیفه در وقت مناسب و حساس باعث آن جنایتی شد که تا قیامت مورد لعن و نفرین حضرت حق قرار دارد. انتخابات نیز اینگونه است که اگر اقدام به موقع و وظیفه‌شناسی در آن لحاظ نگردد و آرزوی شیطان بزرگ برآورده شود علاوه بر خسارت به کشور و دنیای اسلام، لعن و نفرین ابدی نیز شامل حال ما خواهد شد.

شکیبا

* اوباما برای سالانه ۳۰ هزار قربانی سلاح‌های گرم در آمریکا ریاکارانه اشکی بر چشمان آورد تا باز مردم خود را بفریبد این در حالی است که حاضر نیستند قدمی برخلاف منافع صاحبان سرمایه کارخانه اسلحه‌سازی و تولید سلاح کشتار جمعی در داخل و خارج از آمریکا بردارند. نکند بازهم تیم دیپلماسی ما تحت تأثیر اشک تمساح شیطان بزرگ قرار بگیرد! بیش از نیم قرن است این شیطان در اقصی نقاط عالم گروه گروه انسانها را به مسلخ می‌برد و حاضر نیست از جنایات خود لحظه‌ای دست بکشد.

محمدرضا فخرالساعه- جانباز

* یک کارگردان برای ساخت اولین فیلم خود به زندان گوانتانامو که زندان آمریکایی‌ها می‌باشد رفته و تلاش کرده از طریق برقراری رابطه بین نگهبان آمریکایی زندان و زندانی مسلمان تصویر مثبتی از ارتش آدم‌کش آمریکا نشان بدهد چنین فیلمی چرا باید در ایرانی که ده‌ها سال است با جنایت و خیانت آمریکا درگیر است به نمایش درآید؟

۰۹۳۶---۱۹۶۹

* به خانم‌ها و آقایان هنرمندنمایی که از سر سیری و پولداری در گالری سیحون بهایی شرکت کردند باید گفت از خون شهدای مدافع حرم خجالت بکشند. این شهدا هستند که هنرمند هستند.

خانم احمدی- خرم‌آباد لرستان

* در خصوص وام ۶ میلیونی با مراجعه به جایی که بیمه هستم به ما گفتند شما می‌توانید ۴ ماه حقوقتان را دریافت کنید، حقوق ما بازنشستگان از ۶۰۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بیشتر نیست جمع این مبلغ ۲ میلیون تا ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار است که وام ما می‌شود ۴ میلیون. پس بقیه این مبلغ یعنی ۲ میلیون دیگر چه می‌شود. یعنی افراد دارای نیاز بیشتر به این وام، شایستگی دریافت آن را ندارند!

۰۲۶۳---۱۲۱۴

* ان‌شاءا... با وحدت عملی نیروهای دلسوز اسلام و انقلاب، مجلس آینده مجلسی برآمده از راه حزب‌ا...، قوی، در خط ولایت و سازش‌ناپذیر و با اقتدار در برابر زیاده‌خواهی‌های استکبار و شیطان بزرگ شکل بگیرد.

۰۹۱۳---۱۴۴۲